پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۳۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
صص ۲۵-۴۶ (مقاله پژوهشی)

No. 33, Autumn & Winter 2023/ 2024

عوامل گرایش کیسانیه به جعل و تحریف در مهدویت و گونه‌شناسی آن

سیدمرتضی حسینی شیرگ[1]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۸/۲۷ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۹/۲۹)

چکیده

از کیسانیه باید به‌عنوان یکی از نخستین فرقه‌ای نام برد که به‌صورت نظری به مبحث مهدویت وارد شده‌اند. مفاهیم مهدویت به‌صورت گسترده در این فرقه مطرح و مورد سوءاستفاده واقع شده است. آنچه در این میان جای سؤال دارد دلایل گرایش کیسانیه به جعل و تحریف احادیث و معارف مهدویت است. این سؤال از آن جهت اهمیت می‌یابد و محل بحث و کنکاش می‌شود که از سخنان مختار پیرامون محمد بن حنفیه نمی‌توان مهدویت اصطلاحی برداشت کرد و از سوی دیگر سران و بزرگان کیسانیه از جمله محمد بن حنفیه و فرزندش ابوهاشم مروج و معتقد به مهدویت مورد اعتقاد شیعه اثنی‌عشری بودند و خود مدعی مهدویت نبوده‌اند. نوشته حاضر با اتخاذ روش توصیفی- تحلیلی به دنبال یافتن پاسخ سؤال فوق است. یافته‌های این مطالعه حاکی از تأثیرگذاری گستردهٔ غلات بر کیسانیه در مبحث مهدویت دارد. هم‌چنین وجود «سبئیه» در کوفه هم‌زمان با قیام مختار از دیگر عوامل گرایش کیسانیان به مبحث مهدویت و جعل و تحریف در این حوزه است. در نتیجه غالیان کیسانی و کیسانیان متأثر از سبئیه، گونه‌های متعددی از احادیث و معارف جعلی ازجمله «مهدی‌پنداری سران کیسانی»، «سوءاستفاده از مفاهیم مهدویت» و «تفسیر به رأی برخی آیات قرآن همسو با معارف مهدویت» را به وجود آورند.

کلید واژه‌ها: مهدویت، کیسانیه، حدیث جعلی، غلات، سبئیه.

---

۱. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد و مربی دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی، مشهد، ایران؛ mortezah.hoseini@yahoo.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

۱- مقدمه و بیان مسئله

کیسانیه در نیمه دوم قرن اول، درصحنه تاریخ اسلام رخ نمودند و با آغاز قرن دوم، روند افول آنان آغاز شد که درنهایت در اواخر قرن دوم اثری از کیسانیان در صحنه تاریخ نماند.

در وجه‌تسمیه این فرقه اختلاف‌نظر وجود دارد که پرداختن به آن را ضروری نمی‌دانیم. «کیسان» هر که باشد و به هر معنایی که باشد، منظور از فرقه کیسانیه پیروان مختار بن ابی عبیده ثقفی است. اصول فرقه کیسانیه برمی‌گردد به گروهی از مردم که در جریان حرکت مختار در دهه هفتم قرن اول پدید آمدند و مهم‌ترین عقیده اینان اعتقاد به امامت محمد بن حنفیه بود. (قاضی، ۳۵۳)

از کیسانیه باید به‌عنوان نخستین فرقه‌ای منحرفی نام برد که مفاهیم گسترده مهدویتی در آن مطرح شد و مورد سوءاستفاده این فرقه قرار گرفت. مفاهیمی مانند غیبت، نامیرایی، انتظار، ظهور معجزه‌گونه و برپایی عدل و داد، از مفاهیم مهدویتی هستند که در این فرقه به‌طور مبسوط بیان‌شده و مورد سوءاستفاده قرار گرفته است.

سؤال مهمی که در اینجا پیش می‌آید آن است که باوجود اینکه سران اصلی کیسانیه یعنی محمد بن حنفیه و ابوهاشم فرزند محمد بن حنفیه مدعی مهدویت نبوده‌اند بلکه مروج و معتقد مهدویت مورد اعتقاد شیعه اثنی‌عشری نیز بوده‌اند، چه عواملی سبب گرایش کیسانیان به مهدی پنداری دروغین و جعل و تحریف در احادیث و معارف مهدویت شده است؟ و در این مجال چه گونه‌هایی از جعل و تحریف در احادیث و معارف مهدویت پدید آوردند؟

درباره پیشینهٔ این مطالعه باید نخست به سه مقاله دنباله‌دار از آقایان صفری فروشانی و برادران با موضوع مهدی‌باوری در میان کیسانیه اشاره کرد. در این سه مقاله نویسندگان مهدی‌باوری در میان کیسانیه را از آغاز تا انقراض نهایی بررسی کرده‌اند. هم‌چنین باید به مقاله «بررسی گرایش به مهدویت در جنبش کیسانیه» نوشته الیسا عباسی و همکاران اشاره کرد. تمرکز این مقاله بر عقاید اصلی کیسانیه از جمله «امامت»، «بدا»، «تناسخ» و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

«مهدویت» است. در این مقاله نیز مانند سه مقاله قبلی به پدیده جعل و تحریف مهدویت در کیسانیه و ریشه‌یابی و گونه‌شناسی آن اشاره‌ای نشده است.

پس می‌توان گفت دو نکته این مطالعه را از سایر مطالعات صورت گرفته در این موضوع متمایز می‌کند؛ نخست بررسی دلایل گرایش کیسانیه به جعل و تحریف در مهدویت و دوم گونه‌شناسی جعل و تحریف کیسانیان در مهدویت.

۲- ریشه‌یابی دلایل گرایش کیسانیه به مبحث مهدویت

انگیزهٔ گرایش به مهدویت و جعل و تحریف در مفاهیم آن در کیسانیه از دو جهت وجود داشته است. از یک‌جهت وجود پررنگ و گسترده غالیان در میان کیسانیه و از سوی دیگر وجود «سبئیه» در کوفه هم‌زمان با قیام و حکومت مختار.

۲-۱. وجود غالیان

از جمله مهم‌ترین عوامل گرایش کیسانیه به مهدویت و جعل و تحریف در این حوزه حضور غالیان فراوان در این فرقه است. غالیان فراوانی را می‌توان در میان کیسانیه ردیابی نمود.

فرقه‌های غالیانه متعددی را می‌توان در کیسانیه ردیابی نمود که نشانه‌هایی از اعتقادات مهدوی در آن‌ها یافت می‌شود. این فرقه‌ها را می‌توان به دودسته تقسیم کرد: ۱- فرقه‌هایی که مرگ محمد بن حنفیه را باور نکردند و قائل به زنده‌بودن و غیبت او شدند. ۲- فرقه‌هایی که با مرگ محمد بن حنفیه قائل به امامت و جانشینی شخص دیگری به‌جای او شدند و بعد از مرگ رهبر جدید قائل به مهدویت او شدند.

بیان این فرقه‌ها و معتقدات آنان نقش مهمی در شناسایی جعلیات کیسانیه در حوزه مهدویت دارد.

۲-۱-۱. کربیه

پیروان ابن کرب غالی را «کربیه» گویند. (نوبختی، ۲۹) کربیه را سومین فرقه از کیسانیه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

دانسته‌اند. (اشعری، ۱۹) کربیه پس از مرگ محمد بن حنفیه در سال ۸۱ ق تـا پایـان نیمـه نخست قرن دوم هجری از گروه‌های بنام موعودگرای کیسانی بودند. سرچشمه اکثـر افکـار آخرالزمانی و رهایی بخشی در مورد ابن حنفیه که پس از مرگ محمد بن حنفیه به وجـود آمد، به ابن کرب برمی‌گردد. (بهرامی، ۲۳۸)

کربیه اعتقاد داشتند امام علی﵇ بر محمد بن حنفیه نام مهدی گذاشت و او نمرده اسـت و نمی‌میرد، لکن غایب شده و مکانش نامعلوم است. (نوبختی، ۲۷ و اشعری، ۲۷)

برخی نیز معتقدند که کربیه مکان غیبت او را کوه رضوی می‌دانند و دو شـیر و ببـر از او محافظت می‌کنند و آب و عسل در نزدش فراهم است. (اسفراینی، ۳۱ و بغدادی تمیمـی، ۲۷) پس کربیه نخستین کسانی بودند که مدعی زنده‌بودن و غیبت ابن حنفیه در کوه رضوی شدند.

برخی از نامداران نیز در میان هم‌مسلکان کربیه دیده می‌شوند. این اشعار به کثیـر عـزه نسبت داده‌شده که در آن مهدویت محمد بن حنفیه به‌روشنی بیان‌شده است:

هو المهدیّ خبّرناه کعب اخو الاحبار فی الحقب الخوالی (کثیر عزه، ۲۳۲)

این فرقه مانند دیگر فرق غالیانه هستند که بعد از قیام مختار به وجود آمدند. اینـان در جهت رسیدن به اهداف خود به مهدی پنداری دروغین و جعل و تحریف احادیث مهـدویت رسیده از پیامبرﷺ و سایر معصومان اقدام کردند.

۲-۱-۲. حربیه

پیروان عبدالله بن عمرو بن حرب کندی را حربیه گوینـد. (اشـعری، ۵۶) ایـن فرقـه از انشعابات کیسانیه به شمار می‌آید. (اشعری، ۱۶۲) حربیه را نهم فرقه از کیسانیه برشمرده‌اند. (اشعری، ۲۲)

حربیه معتقد به امامت محمد بن حنفیه بعد از امامت حسنین بودند. (اشعری، ۲۶) اعتقاد داشتند که ابوهاشم بن محمد بن حنفیه، عبدالله بن عمرو را بـه‌عنـوان امـام منصـوب کـرده است. (اشعری، ۲۲) هم‌چنین معتقد به تناسخ و حلول بودند. (اشعری، ۲۶)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

اینان اعتقاد به مهدویت محمد بن حنفیه را در قالب «نظریه اسباط» بیان کرده‌اند. (اشعری، ۲۸)

اینان به ظهور محمد بن حنفیه و هم‌چنین به غیبت او معتقد بودند. اینان عقیده داشتند که محمد در کوه «رضوی» زندگی و زمان غیبتش را سپری می‌کند. (اشعری، ۲۸)

۲-۱-۳. هاشمیه

پیروان عبدالله بن محمد بن حنفیه را گویند. (اسفراینی، ۳۲) هاشمیه معتقد به مهدویت پسر محمد بن حنفیه، یعنی عبدالله معروف به ابوهاشم شدند. این‌ها قبول داشتند که محمد مرده است، اما امام بعد از او را ابوهاشم می‌دانستند و به مهدویت او قائل شدند. (نوبختی، ۳۳)

هاشمیه در خصوص ابوهاشم غلو کرده و حتی معتقد شدند مردگان را زنده می‌کند. (اشعری، ۳۸) فرقه بیانیه که پیروان بیان نهدی، معاصر امام باقر علیه السلام بودند، نیز در ابتدا به مهدویت ابوهاشم اعتقاد داشتند. (نوبختی، ۴۸)

۲-۱-٤. جناحیه

این فرقه را به عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی‌طالب منسوب می‌دانند. (اشعری، ۶) جناحیه بر این باور بودند که ابوهاشم به عبدالله معاویه وصیت کرده است و او امام ایشان خواهد بود. (حمیری، ۱۶۰) درنتیجه باید جناحیه را از شاخه‌های کیسانیه دانست.

جناحیه به پیامبری و خدایی عبدالله معتقد بودند و بسان دیگر غالیان قائل به اباحه‌گری نیز بودند. به حلول معتقد بوده و به آخرت اعتقاد نداشتند. (اشعری، ۴۱ و اشعری، ۶)

۲-۲. ارتباط با «سبئیه»

از دیگر عوامل مهم گرایش کیسانیه به مهدویت ارتباط آنان با سبئیه است. چنانچه وجود تاریخی شخصیت عبدالله بن سبأ را بپذیریم، «سبائیه» یا «سحابیه» را باید نخستین

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

فرقه دانست که دست به جعل و تحریف احادیث مهدویت زده‌اند.

نشانه‌هایی از حضور سبائیه را در زمان قیام و حکومت مختار در کوفه می‌توان ردیابی نمود. شباهت‌های فراوانی بین معتقدات سبئیه و کیسانیه می‌توان یافت که نشان از تأثیرگذاری سبئیه بر کیسانیه دارد. ازجمله اینکه منابع بیان کرده‌اند زمانی که خبر ضربه خوردن حضرت علی‌ؑ به ابن سبأ رسید گفت: «به خدا قسم برای علی در مسجد کوفه دو چشمه است یکی عسل و دیگری سمن و شیعیانش از آن می‌نوشند» (قاضی، ۱۷۷) کیسانیه مشابه این اعتقاد را درباره محمد بن حنفیه نیز دارند که در بحث‌های پیش‌رو اشاره خواهد شد. گفته‌شده عبدالله بن سبأ معتقد بود که حضرت علی‌ؑ در ابرهاست و رعد، صدای او و برق، تازیانه اوست. (بغدادی تمیمی، ۲۲۴ و صفری فروشانی، ۷۶) گروهی از کیسانیان نیز معتقد بودند که محمد بن حنفیه سوار بر ابرهاست. (اشعری، ۲۷) به‌نظر می‌رسد عقاید غالیانه‌ای مانند: «حضور ائمه در ابرها»، «داشتن ابر اختصاصی»، «سیر مؤمنین در زمان ظهور به‌وسیله ابرها» که بعدها توسط غالیان ساخته و در کتب جای‌داده شد با تأثیرپذیری از عقاید غالیانه‌ای که به ابن سبأ منسوب می‌شود، ساخته‌شده است.

به‌نظر می‌رسد مشتبه شدن مرگ محمد بن حنفیه بر برخی از کیسانیان نیز منشأ سبئیانه دارد. نقل‌شده است که سبائیه همان اعتقادی که مسلمانان درباره حضرت مسیح‌ؑ مبنی بر زنده‌بودن و عروج به آسمان دارند نسبت به حضرت علی‌ؑ داشتند. اینان معتقد بودند که خداوند حضرت‌ؑ را به علت غضب بر اهل زمین بالا برده است. (ناشی اکبر، ۱۹؛ بغدادی تمیمی، ۲۲۳) و همچنین معتقد بودند که همان‌طور که امر حضرت عیسی‌ؑ بر مردم مشتبه شد کشته شدن حضرت علی‌ؑ نیز بر مردم مشتبه شده است و کس دیگری به‌جای حضرت‌ؑ کشته‌شده و مردم گمان کرده‌اند که او علی‌ؑ بوده است. (بغدادی تمیمی، ۲۲۳)

علاوه بر این می‌توان به تأثیرپذیری برخی از سران و بزرگان کیسانیه از عقاید سبئیه اشاره کرد. به‌عنوان‌مثال درباره ابوهاشم پسر محمد بن حنفیه توصیفات «کان عبدالله یتبع السبائیه» (ابن‌عساکر، ۲۷۱/۳۲) و «کان عبدالله یجمع احادیث السبائیه» (ابن عساکر،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

۲۷۳/۳۲) به‌کاربرده‌اند که چنانچه صحت این منقولات را بپذیریم نشان از حضور پررنگ سبئیه و احادیث آنان در زمان قیام و حکومت مختار و هم‌چنین بعدازآن در کوفه دارد.

هم‌چنین در نقلی می‌توان حضور سبئیه در برخی سخنرانی‌های مختار و اظهارنظر کردن و سردادن تکبیر بعد از سخنان مختار را مشاهده کرد. (طبری، ۸۳/۶) گفته‌شده بعدازاین تکبیر گفتن سبئیه، ابیاتی در مدح آنان سروده می‌شود. (طبری، ۸۳/۶)

با این توضیحات شکی باقی نمی‌ماند که سبئیه در زمان قیام و حکومت مختار حضور فعال داشته‌اند و در عقاید کیسانیه به‌ویژه عقاید مهدی گرایانه تأثیر مستقیم داشته‌اند و این تأثیرگذاری به حدی بوده است که برخی از فرق نگاران کیسانیه را چهارمین فرقه از سبئیه برشمرده‌اند. (ملطی عسقلانی، ۱۹)

۳- گونه‌شناسی جعل و تحریف جریان‌های سیاسی در مهدویت

گونه‌های فراوانی از جعل و تحریف جریان‌های سیاسی را در حوزه مهدویت می‌توان ردیابی نمود. تبیین و بررسی این‌گونه‌ها به مشخص شدن هر چه بیشتر ساختگی بودن برخی روایات این حوزه کمک می‌کند. در این مجال به صورت مختصر به گونه‌های جعل و تحریف جریان‌های سیاسی اشاره‌ای می‌کنیم و در بخش بعدی به گونه‌های جریان کیسانیه اشاره می‌کنیم.[۱]

۳-۱. جعل و تحریف در نام، نَسب و مصداق مهدی موعودﷺ

از جمله مهم‌ترین و پربسامدترین گونهٔ جعل و تحریف در معارف مهدویت از سوی جریان‌های سیاسی، جعل در نام، نَسب و مصداق مهدی موعود است. این‌گونه را تقریباً در تمامی جریان‌های سیاسی مدعی مهدویت می‌توان شاهد بود.

---

۱. جهت مطالعهٔ گونه‌های جعل و تحریف سایر جریان‌های سیاسی از جمله امویان، عباسیان، فاطمیان، غالیان سیاسی و ... در مهدویت نک: رساله دکتری نگارنده با عنوان «**نقش سیاست در جعل و تحریف احادیث مهدویت**» دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۴۰۱ش.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

براساس احادیث صحیح مهدویت مهدی همنام پیامبرﷺ است و نَسبش به اهل‌بیت پیامبرﷺ می‌رسد. (سجستانی، ۴/ ۱۰۷ و ترمذی، ۷۵/۴ و ابن‌حنبل، ۳۱۱/۷) این معارف و اطلاعات درباره مهدی موعودﷺ در میان مردم پراکنده بود و مردم با آن آشنا بودند. در نتیجه مدعیان مهدویت نیز در صورتی از همراهی مردم برخوردار می‌شدند که این ویژگی‌ها را دارا می‌بودند. به همین دلیل در بسیاری از جریان‌های سیاسی شاهد جعل در نام و نسب مدعیان دروغین مهدویت هستیم. مدعیانی که سعی می‌کردند خود را همنام رسول‌اللهﷺ معرفی کنند و نسبشان را به ایشان برسانند.

۳-۲. جعل و تحریف در ویژگی‌های جسمی و اخلاقی مهدی موعودﷺ

ازجمله تحریفات و جعلیاتی که جریان‌های سیاسی و حکومت‌ها پیرامون معارف مهدوی پدید آوردند، جعل و تحریف در ویژگی‌های اخلاقی مهدی موعودﷺ بوده است.

نمونه‌هایی از این‌گونهٔ جعل و تحریف را از سوی برخی جریان‌های سیاسی و دولت‌ها می‌توان مشاهده کرد. در این میان می‌توان به جریان سیاسی محمد بن عبدالله بن حسن ملقب به «نفس زکیه» اشاره کرد. ردپای این جریان را می‌توان در برخی از احادیث مهدوی که به برشمردن برخی از ویژگی‌های اخلاقی مهدی موعودﷺ پرداخته‌اند یافت. ازجمله می‌توان به روایاتی اشاره کرد که به داشتن لکنت زبان مهدی موعود اشاره‌کرده‌اند. (ابن حماد، ۳۶۵/۱)

۳-۳. جعل و تحریف در مکان ظهور مهدی موعودﷺ

در برخی از احادیث مکانی غیر از مکان مشهور ظهور، یعنی؛ بین رکن و مقام در کعبه، برای ظهور مهدیﷺ بیان‌شده است. دستبرد سیاست در این دست احادیث را می‌توان دید.

این‌گونه از جعل و تحریف را در جریان سیاسی عباسی با تأکید بر مشرق و خراسان و جریان سیاسی فاطمیان با تأکید بر مغرب شاهد هستیم. (ابن حماد، ۱/ ۲۰۲، ۳۱۳ و ابن جوزی، ۲/ ۴۳ و قاضی نعمان، ۳/ ۴۱۹)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

۳-٤. جعل و تحریف در مدح و ذم بلاد

نقش جریان‌های سیاسی و حکومت‌ها در پیدایش منقولاتی در مدح و ذم بلاد با رویکرد مفاهیم مهدویتی و آخرالزمانی پررنگ و گسترده است. در این میان نقش امویان، عباسیان، کیسانیان، زیدیان و فاطمیان به نظر برجسته‌تر می‌نماید. هم‌چنین راویان اسرائیلیات روایاتی چند در مدح و ذم بلاد یهودی- مسیحی در جهت ارائه نقش پررنگ و محوری این مناطق در آخرالزمان جعل و ترویج کرده‌اند. (ابن حماد، ۲۴۸/۱، ۴۰۲ و دانی، ۹۴۹/۵، ۱۲۱۳/۶)

در نتیجه احادیثی چند در مدح و یا ذم شام، دمشق، بیت المقدس، طور، انطاکیه، طالقان، مشرق، خراسان، مغرب و اردبیل در منابع مختلف وارد شد. به واقع این‌گونه از جعل و تحریف را در میان اکثر جریان‌های سیاسی و حکومت‌های مدعی مهدوی شاهد هستیم.

۳-۵. تفسیر به رأی آیات قرآن همسو با معارف مهدویت

در برخی از جریان‌های سیاسی شاهد تفسیر به رأی برخی آیات قرآن همسو با معارف مهدویت و در جهت منافع و اهداف سیاسی هستیم. این امر را بیشتر در جریان سیاسی کیسانیه و پیرامون محمد بن حنفیه می‌توان دید. که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۳-۶. جعل، تحریف، مصادره و سوء استفاده از مفاهیم مهدوی

برخی از مفاهیم مهدویت توسط جریان‌های سیاسی و حکومت‌ها مورد سوءاستفاده و مصادرهٔ به مطلوب واقع شده‌اند. مفاهیمی مانند «غیبت»، «عدالت گستری»، «ظهور» و ... از جمله مهم‌ترین این موارد می‌باشد. این مصادره و سوء استفاده در مواردی چند سبب پیدایش احادیث و مفاهیمی جعلی یا تحریف شده در حوزهٔ مهدویت شده است.

٤- گونه‌شناسی جعل کیسانیه در روایات و معارف مهدویت

گونه‌های متعددی از جعل و تحریف از سوی کیسانیه را می‌توان در روایات و معارف

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

مهدویت ردیابی نمود. مهم‌ترین‌گونه‌های جعل کیسانیه در روایات و معارف مهدوی عبارتند از:

- جعل و تحریف در مصداق مهدی موعودﷺ
- جعل و تحریف در نام مادر مهدی موعودﷺ
- تفسیر به رأی آیات قرآن همسو با معارف مهدویت
- جعل، تحریف، مصادره و سوء استفاده از مفاهیم مهدوی
- جعل و تحریف در مدح و ذم بلاد

٤-١. جعل در مصداق مهدی موعودﷺ

در کیسانیه از سه چهره شاخص باید نام برد کـه در موردشـان ادعـای مهـدویت شـده است. مهدی پنداری این سه شخصیت سبب بروز جعلیاتی در مهدویت شده است.

٤-١-١. ترویج مهدی‌پنداری محمد بن حنفیه

آنچه از برخی روایات به دست می‌آید این است که محمد بـن حنفیـه نـه‌تنهـا خـود را مهدی نمی‌دانست بلکه راوی روایاتی در تائید مهدویت مورد اعتقاد شیعه دوازده امامی بود. در این زمینه می‌توان به این روایات اشاره کرد:

... إِبْرَاهِيمَ بْنَ مُحَمَّدِ ابْنِ الْحَنَفِيَّةِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، رَضِيَ اللَّـهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِﷺ: «الْمَهْدِيُّ يُصْلِحُهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ» (ابن حماد، ۳۶۱/۱)

... إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ ابْنِ الْحَنَفِيَّـةِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيٍّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِﷺ: «الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، يُصْلِحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ» (ابن ابی شیبه، ۵۱۳/۷ و قزوینی، ۱۳۶۷/۲) در تعلیقی کـه محمد فؤادعبدالباقی بر *سنن ابن ماجه* نگاشته است رجال این حدیث ثقه شمرده شـده‌انـد. تنها درباره ابرهیم بن محمد بن الحنفیه برخی نظر داشته‌اند ولی ابـن معـین، ابوزرعـه، ابـن حبان و عجلی او را ثقه شمرده‌اند. (قزوینی، ۱۳۶۷/۲) البانی در *صحیح و ضعیف سنن ابـن ماجه* این حدیث را حسن توصیف می‌کند. (البانی، ۸۵/۹)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

در منابع شیعه نیز این دست روایات به نقل از محمد بن حنفیه آمده است. (ابن‌بابویه، ۱۵۲/۱)

از سوی دیگر ابن حنفیه در مقابل کسانی که او با نام مهدی خطاب می‌کنند واکنش نشان می‌دهد و از آنان می‌خواهد او را به نام خودش یعنی محمد و یا کنیه‌اش یعنی ابوالقاسم خطاب کنند (ابن سعد، ۷۰/۵) در نامه‌نگاری‌هایی که دارد نیز از خویش به «محمد بن علی» نام می‌برد. (طبری، ۱۰۳/۶)

در منابع تاریخی و حدیثی نمی‌توان به موردی برخورد که در آن محمد بن حنفیه به مهدی بودن خویش اشاره‌کرده باشد. البته یک مورد در مکاتبات محمد بن حنفیه با مختار است که ابن حنفیه از خویشتن با نام مهدی یاد می‌کند که در صحت آن خدشه واردشده است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. مهدی خوانی به معنای لغوی و اصطلاحی را نخستین بار در سخنان مختار پیرامون محمد بن حنفیه شاهد هستیم.

گفته‌شده بعدازاینکه مختار با زبیریان قطع رابطه کرد و به کوفه برگشت هنگام ورود، خود را نماینده «المهدی» یعنی محمد بن حنفیه معرفی کرد. (ابن‌اثیر، ۲۵۲/۳) این اولین کاربرد لفظ مهدی برای محمد بن حنفیه است و زمانی که خواست بخشی از توابین را با خود همراه سازد نیز از لقب مهدی برای ابن حنفیه استفاده کرد. (ابن‌اثیر، ۲۵۹/۳)

مختار در مکاتبات و سخنانش از محمد بن حنفیه با این عبارات یاد می‌کند: «ولی‌الأمر»، «وصی الوصی» «الإمام المهدی» (طبری، ۵۸۰/۵) در نامه‌ای این‌چنین ابن حنفیه را خطاب قرار می‌دهد: بسم‌الله الرحمن الرحیم للمهدی مُحَمَّد بن علی من المختار بن أبی عبید سلام‌علیک یا ایها المهدی...» (طبری، ۶۲/۶).

در مکاتبات محمد بن حنفیه با مختار فقط یک مورد است که ابن حنفیه از خود به «مهدی» یاد می‌کند؛ که همان نامه ادعای مختار از محمد بن حنفیه به ابراهیم بن مالک اشتر است: «بسم‌الله الرحمن الرحیم من مُحَمَّد المهدی إلی إبراهیم بن مالک الأشتر، سلام عَلَیْک...» (طبری، ۱۶/۶) این امر برای ابراهیم بن مالک جای تعجب داشته است و به مختار بیان می‌دارد که ابن حنفیه دائماً در نامه‌هایش به من از نام و نام پدرش استفاده

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

می‌کند که مختار جواب می‌دهد آن زمانی بوده و الان زمـان دیگـری اسـت کـه درنهایـت مختار برای برطرف کردن شک ابراهیم از برخی از یارانش می‌خواهد که شهادت دهند کـه نامه از ابن حنفیه است. (طبری، ۱۷/۶ و بلاذری، ۳۸۶/۶)

آنچه در سطور قبلی بیان شد، کاربرد معنای لغوی مهدی از سوی مختار برای محمـد بـن حنفیه است. از هیچ‌کدام از این منقولات نمی‌توان معنای اصطلاحی مهدی را برداشت کرد. در میان سخنان مختار درباره محمد بن حنفیه تنها به یک مورد برمـی‌خـوریم کـه مـی‌توانـد تـا حدودی بیانگر کاربرد معنای اصطلاحی مهدی از سوی مختار برای محمد بـن حنفیـه باشـد؛ بعدازاینکه مختار در کوفه پابرجا شد محمد بن حنفیه قصد رفتن به کوفه می‌کند، در این زمان است که مختار در وصف ابن حنفیه می‌گوید: «إِنَّ فِی الْمَهْدِیِّ عَلامَـةً یَقْدَمُ بَلَدَکُمْ هَـذَا فَیَضْـرِبُهُ رَجُلٌ فِی السُّوقِ بِالسَّیْفِ لا تَضُرُّهُ وَ لا تَحِیکُ فِیهِ.» (ابن سعد، ۷۵/۵) امری که سبب شد ابـن حنفیه از رفتن به کوفه منصرف شود. در صورت صحت این قول به مختار، کمترین چیزی کـه می‌شود از این نقل برداشت کرد این است که مهدی در نظر مختار ماننـد ابـن‌سـبأ متمیـز بـه صفات مافوق بشری است به طوری که سلاح در او کارگر نیست. (قاضی، ۱۲۴)

از مجموع سخنان و کاربرد سخنان و کلمات خاص مختار برای ابن حنفیـه و بـه‌ویـژه تأکید بر لفظ «مهدی» می‌توان برداشت کرد که این لفظ در نزد مختار بـار معنـایی خاصـی داشته است و نمی‌توانسته تنها معنای لغوی آن مدنظر بوده باشد. گویا مختار بی‌میـل نبـوده است که ابن حنفیه را همان مهدی موعود بداند؛ ولی از بیان صریح و بی‌پرده این امر واهمه داشته و احتیاط می‌کرده است؛ زیرا سخنان و واکنش‌های ابن حنفیه مبنـی بـر اینکـه او را مهدی نخوانند بلکه به اسم و کنیه‌اش صدایش بزنند مختـار را بـرای اینکـه ابـن حنفیـه را صریحاً مهدی موعود بخواند بازمی‌داشت.

این نحوهٔ تجلیل از محمد بن حنیفه از سوی مختار سبب شد کـه برخـی فـرق نگـاران معتقد شوند که مختار اعتقاد به رجعت محمد بن حنفیه داشته است و می‌گفته که محمد بـن حنفیه خواهد مرد سپس و او و پیرانش برانگیخته خواهند شد سـپس زمـین را سرشـار از

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

عدل و داد خواهد کرد. (حمیری، ۱۸۲)

ولی واقعیت آن است که در تطور نظریه مهدویت محمد بن حنفیه بعد از شکست مختار و فوت محمد بن حنفیه بود که اندیشه مهدی بودن اصطلاحی ابن حنفیه از سوی غالیان کیسانی تقویت و گسترش یافت. اندیشه‌ای که به نظر می‌رسد کیسانیه می‌توانستند با تکیه بر آن آمال و آرزوهای خود را در آن بیابند و همچنان روحیه امید را در خود زنده نگه‌دارند.

در این مرحله نیاز به مبناسازی و استحکام نظریه مهدویت محمد بن حنفیه احساس می‌شد. در واقع این مهدویت محمد بن حنفیه باید از سوی برخی از منقولات و احادیث پسینی که ادعاشده از پیامبرﷺ و یا امام علی‌علیه‌السلام نقل‌شده مورد تأکید و تأیید قرار می‌گرفت. در این مرحله بود که غالیان کیسانی به مانند غالیانی که در جریان محمد بن عبدالله بن حسن ملقب به نفس زکیه که هم‌زمان ادعاهای مشابه مهدویتی داشتند، وارد بازی جعل و تحریف احادیث در مهدویت محمد بن حنفیه شدند و در اینجا بود که غالیان کیسانی با تأثیرپذیری از سبئیه، احادیث و مفاهیم جعلی فراوانی با محوریت مهدی پنداری محمد بن حنفیه و فرزندش ابوهاشم در معتقدات کیسانیه به وجود آوردند.

کیسانیه با مصادره برخی احادیث رسیده از پیامبرﷺ و تطبیق این احادیث بر محمد بن حنفیه، او را مهدی موعود می‌دانستند. به‌عنوان‌مثال آنان یکی از دلایل مهدویت محمد بن حنفیه را سخن رسول خداﷺ می‌دانستند که فرموده بود: «روزها و شب‌ها سپری نمی‌شوند تا اینکه خداوند مردی از اهل‌بیت را مبعوث خواهد کرد اسم او اسم من و کنیه‌اش کنیه من و اسم پدرش اسم پدر من او زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد همان‌گونه که از ظلم و ستم پرشده است» (شیخ مفید، ۲۹۶) استناد به این حدیث سبب شد که کیسانیه یکی از اسامی امام علی‌علیه‌السلام را عبدالله بدانند. (شیخ مفید، ۲۹۶) و او را محمد بن عبدالله خطاب کنند. (مجهول، ۱۶۵)

هم‌چنین کیسانیه معتقد بودند که امام علی‌علیه‌السلام بر ابن حنفیه نام مهدی را گذارده است. (نوبختی، ۲۹) در حالی‌که در این زمینه هیچ حدیثی از امام علی‌علیه‌السلام در منابع نمی‌یابیم. در شعر شاعران کیسانی که از جمله نظریه‌پردازان اصلی این فرقه نیز اثری از این استدلال نیافتیم.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

٤-١-١-١. نظریه‌پردازی در جهت ترویج مهدویت محمد بن حنفیه

در این میان می‌توان به نظریه «اسباط» اشاره کرد. کیسانیه این‌چنین این نظریه را بیان می‌کنند: «اسباط (فرزندان و وصیان پیامبر) چهار نفر هستند: اولین سبط، سبط ایمان و امن است که او علی است. دومین سبط، سبط نور است و او حسن است. سومین سبط، سبط حجّت و مصیبت است و او حسین است. چهارمین سبط، هم اوست که اسباب در دست اوست، سوار بر ابر است، بادها را حرکت می‌دهد و مدّ را به وجود می‌آورد و به زمین هفتم می‌رود و جور را از بین می‌برد و او همان مهدی منتظر یعنی محمد بن حنفیه است که نمرده است، بلکه در کوه رضوی زندگی می‌کند و دو شیر و دو ببر از او محافظت می‌کنند و ملائکه با او انس می‌گیرند تا هنگامی‌که ظهور کند.» (اشعری، ۲۸)

عبدالله بن عمرو بن حرب الکندی نقش مهمی در تطور نظریه اسباط داشته است. او معنی خاصی از کلمه اسباط برداشت کرد. منظور او معنای لغوی اسباط یعنی«نوه‌ها» نبود بلکه معنای قرآنی؛ «ائمه» را برای این کلمه در نظر گرفت. (قاضی، ۱۵۳) و متمایل به این شد که همان‌طور که برای بنی‌اسرائیل اسباطی وجود داشته است در نتیجه برای مسلمانان نیز اسباطی وجود دارد و آنان بنی‌هاشم هستند و همان‌طوری که احترام، عزت و نبوت تنها دریکی از فرزندان یعقوب نبوده بلکه در چهار نفر بوده است در اسلام نیز همین‌طور است و خلافت، فرمانروایی و امامت در چهار نفر از آنان است و آن‌ها علی و حسن و حسین و ابن حنفیه هستند. (اشعری، ۳۰)

این نظریه در شعر شاعران کیسانی نیز بازتاب داشته است:

فسبط سبط ایمان و حلم و سبط غیبته کربلاء

و سبط لایذوق الموت حتی یقود الخیل یقدمها اللواء (کثیر عزه، ۵۲۱)

کیسانیه در جهت اثبات مهدویت ابن حنفیه تلاش می‌کردند تا او را هم‌طراز و هم‌رتبه حسنین قرار دهند درنتیجه در توضیح نظریه اسباط و جایگاه این اسباط می‌گفتند: «بهم یسقا الخلق الغیث و یقاتل العدو و یظهر الحجة و یموت الضلالة، من تبعهم لحق و من تأخر

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

عنهم محق و إلیهم المرجع و هم کسفینة نوح من دخلها صدق و نجا و من تأخر عنها غرق» (اشعری، ۲۷)

٤-١-٢. ترویج مهدی‌پنداری ابوهاشم

از دیگر اشخاصی که برخی از کیسانیان به مهدویت او قائل شدند، ابوهاشم، عبدالله بن محمد بن علی بن ابی‌طالب است. ابوهاشم پسر بزرگ محمد بن حنفیه است. (اشعری، ۳۸) شخصیت ابوهاشم شخصیتی مهم و تاریخی بوده است. کیسانیه پس از وفات ابن حنفیه به او گرایش پیدا کردند. (بلاذری، ۲۷۲/۳) عباسیان نیز ادعای وصایت او را داشته و مدعی میراث داری او شدند. (ابن عساکر، ۲۷۰/۳۲)

هیچ دادهٔ تاریخی مبنی بر مدعی مهدی بودن از سوی ابوهاشم مشاهده نمی‌شود و برعکس روایاتی از او به نقل از پدرش از امام علی‌ؑ در مهدویت مورد اعتقاد شیعه اثنی‌عشری ذکرشده است که به برخی از این روایات در صفحات قبل اشاره شد.

ریشه مهدی پنداری ابوهاشم را باید به غالیانی که در کیسانیه حضور داشتند و مدعی امامت و مهدویت وی شدند، بازگرداند. به‌عنوان‌مثال «بیانیه» مدعی امامت و مهدویت ابوهاشم بودند و او را «الامام القائم المهدی» می‌دانستند. (اشعری، ۳۷) می‌گفتند: «قائم و مهدی همان ابوهاشم است که مردمان را سرپرستی خواهد کرد او غایب شده و جهت سروسامان دادن به امور مردم بازخواهد گشت، زمین را تصاحب خواهد کرد.» (نوبختی، ۳۵)

٤-١-٣. ترویج مهدی‌پنداری عبدالله بن معاویه بن عبدالله

از دیگر کسانی که برخی از غالیان کیسانی معتقد به امامت و مهدویت او بودند، عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی‌طالب بود. عبدالله، یکی از قیام‌کنندگان بر ضد حکومت اموی بود که عباسیان نیز از او دل‌خوش نداشتند و بالأخره در سال ۱۲۹ق به دست پیروان ابومسلم خراسانی کشته شد. (نوبختی، ۴۹)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

«جناحیه» و دیگر گروه‌های منتسب به عبدالله، معتقد به مهدویت وی بودند و او را زنده و پنهان‌شده در کوه‌های اصفهان می‌پنداشتند و معتقد بودند مهدی موعودی که پیامبرﷺ بدان بشارت داده است، اوست. (اشعری، ۴۴)

٤-۲. جعل و تحریف در نام مادر مهدی موعودﷺ

براساس روایات، مادر مهدی موعود قریشی است و از نسل پیامبرﷺ و حضرت فاطمهؑ است. (سجستانی، ۱۰۷/۴ و طوسی، ۱۸۶) امری که برای محمد بن حنفیه و کیسانیه محقق نبوده است. مادر ابن حنفیه خوله بنت جعفر بن قیس بن مسلمهٔ بوده است. (بلاذری، ۲۰۰/۲) درنتیجه کیسانیه از جمله سید حمیری بر امری دیگری تأکید کردند و آن اینکه زمانی که نظر پیامبرﷺ بر مادر ابن حنفیه افتاد درحالی‌که خادم حضرت علیؑ بود، پیامبرﷺ او را اختصاص گردانید بر اینکه مادر مهدی موعود باشد. سید حمیری در این زمینه ابیاتی سروده است و بر این مطلب تأکید دارد. (سید حمیری، ۸۷)

برخی بر این استدلال خدشه وارد کرده‌اند و آن اینکه چگونه می‌شود که رسول‌الله با خوله مادر محمد بن حنفیه سخن گفته باشد در حالی‌که او را ندیده است؟ و چگونه می‌توان تصور کرد که به اینکه مهدی فرزند خوله باشد در حالی‌که فرزند دخترش فاطمه مثلاً نباشد؟ (قاضی، ۲۳۶)

٤-۳. تفسیر به رأی آیات قرآن همسو با معارف مهدویت

در این زمینه نخست می‌توان از تفسیر «البلد الامین» در سوره تین و تطبیق آن بر محمد بن حنفیه سخن گفت. کیسانیه معتقدند بودند که خلافت و پادشاهی در سه شخص قرار دارد و این به خاطر این سخن خداوند است «**وَ التِّینِ وَ الزَّیْتُونِ وَ طُورِ سِینِینَ وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ**» اینان معتقد بودند که این آیه رمز است؛ پس منظور از تین علی است زیتون حسن طور سینی حسین و هذا البلد الامین محمد بن حنفیه است. (اشعری، ۳۰)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

هم‌چنین کیسانیه مراد از آیه یک سوره تکویر را به زمان ظهور مهدی کیسانی؛ محمد بن حنفیه تفسیر کردند که به آسمان صعود می‌کند و شمشیرش را از نیام بیرون می‌آورد که درخشش آن نور خورشید را تیره خواهد کرد. (اشعری، ۳۱)

٤-٤. جعل، تحریف، مصادره و سوءاستفاده از مفاهیم مهدویت

به‌مانند بسیاری از جریان‌های سیاسی متوسل به مفاهیم مهدوی، کیسانیه نیز از مفاهیم مهدویت در جهت نیل به اهداف سیاسی خویش بهره می‌بردند. در این میان مفاهیمی مانند «عدالت‌گستری» و «غیبت» بیشترین بسامد را داشته است.

٤-٤-١. بهره‌گیری و سوء استفاده از مفهوم «عدالت‌گستری»

کیسانیان به احادیث عدالت‌گستری مهدی موعود رسیده از پیامبرﷺ جزئیات فراوانی را مطابق با میل خود اضافه کردند. اوج این تکامل و جزئیات را نیز می‌توان در اشعار حمیری مشاهده کرد. (ناشی اکبر، ۲۸-۲۹ و حمیری ۱۷۷- ۱۷۸) به‌نظر می‌رسد اعتقاد به عدالت‌گستری مهدی کیسانی ریشه در ظلم موجود در آن تاریخ یعنی در زمان امویان و به‌ویژه حاکمیت حجاج بن یوسف بر عراق دارد. (قاضی، ۱۹۲)

در کتاب‌های فرقه نگاشت این نکته بازتاب بسیار داشته است که اعتقاد به مهدویت و عدالت‌گستری محمد بن حنفیه ریشه در احادیث نبوی دارد و او همان مهدی موعودی است که پیامبرﷺ آمدنش و عدالتش را به همگان مژده می‌داد. (نوبختی، ۳۱ و اشعری، ۳۶) آن‌چنان عدالت در زمان مهدی کیسانی زیاد می‌شود که مردم غرق نعمت خواهند شد و کار و کسب و پس‌انداز را رها خواهند کرد هم‌چنین حقوق مظلومان از ظالمان گرفته‌شده و عدالت او مانند سلیمان و ذوالقرنین خواهد بود. (اشعری، ۳۱)

٤-٤-٢. بهره‌گیری و سوء استفاده از مفهوم «غیبت»

تفکر مهدویت در کیسانیه به‌مرور تکمیل و تطور یافت و مسئله غیبت مهدیان این فرقه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

به‌طورجدی از سوی پیروان و نظریه‌پردازان آن مطرح شد. درواقع کیسانیه نخستین فرقه‌ای بودند که به‌صورت گسترده و تئوریک از مفهوم غیبت سوءاستفاده کردند. امری که سبب شد برخی که با احادیث پیامبرﷺ در حوزه مهدویت آشنایی ندارند، معتقد شوند که غیبت ازجمله مفاهیمی است که از کیسانیه وارد شیعه شده است. (شهرستانی، ۱۷۴/۱)

نخستین بار اعتقاد به غیبت را در کیسانیه برای محمد بن حنفیه شاهدیم. اولین اظهارنظر درباره غیبت محمد بن حنفیه از سوی کثیر عزه (د. ۱۰۵ق) با عبارت «تغیب لایری فیهم زمانا» بیان‌شده است. (قاضی، ۱۶۹)

مکان غیبت محمد در کوه رضوی دانسته شده است. کیسانیه معتقد بودند آهوان بامداد و شامگاه پیش ابن حنفیه می‌آیند و او از شیر آن‌ها می‌آشامد و از گوشتشان می‌خورد و دو شیر سمت راست و چپ او جای دارند. (نوبختی، ۳۱ و اشعری، ۳۵) هم‌صحبتی با فرشتگان و خوردن از نعمت‌های بهشت نیز در دوره غیبت محمد برایش فراهم‌شده است. (حمیری، ۱۷۵)

به‌نظر می‌رسد اعتقاد به غیبت محمد بن حنفیه جای سؤال برای بسیاری داشته است. درنتیجه دلیل‌آوری و اقناع بر این غیبت امری ضروری می‌نموده است. یکی از رایج‌ترین راه‌ها برای اقناع در این امور پیوند دادن آن امر با خواست و اراده الهی است. درنتیجه، کیسانیه نخست به «تدبیر الهی» بودن این امر استناد جستند و معتقد شدند که غیبت محمد بن حنفیه را یک تدبیر الهی است که غیر از خداوند کسی دیگر آن را نمی‌داند. (اشعری، ۱۹) این دلیل‌آوری به نظر برای برخی قانع‌کننده نبوده درنتیجه به امری واقعی و حقیقی متوسل و معتقد شدند و یکی از دلایل غیبت محمد بن حنفیه را مستحق عذاب بودن وی به دلیل بیعت با خلیفه اموی؛ عبدالملک دانستند. در نتیجه از چشم اقوام و خویشان و پیروان غایب شد تا کفاره این بیعت باشد. جهت توجیه انجام این گناه از سوی ابن حنفیه آن‌هم در جایگاه امام و مهدی، این گناه او را با گناهان پیامبرانی مانند آدم و یونس مقایسه کردند که باوجود انجام آن، از جایگاه پیغمبری آنان چیزی کاسته نشد. (اشعری، ۲۲– ۲۳)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

تفکر غیبت محمد بن حنفیه، باوجود انقراض سریع کیسانیه در قرون بعد از سوی برخی ادامه یافت. این تفکر در قرون ششم و هفتم به‌صورت جدیدی در شهر کوهستانی قیساریه در آسیای صغیر بازسازی و احیاشده است و جماعتی از مردم این منطقه برای ابن حنفیه محل غیبت جدیدی در دل کوه‌های شهر قیساریه ساختند و آن را زیارت می‌کرده‌اند. (یاقوت حموی، ۴۲۱/۴ و مستوفی، ۹۸)

برای ابوهاشم؛ دومین مهدی کیسانی نیز اعتقاد به غیبت را شاهدیم. فرقه هاشمیه معتقد بودند که ابوهاشم در کوه «رضوی» به‌واسطه کفارهٔ گناهانش غایب شده است او مهدی است و درنهایت بازمی‌گردد. (اشعری، ۲۷)

هم‌چنین باید به اعتقاد غیبت عبدالله بن معاویه از سوی جناحیه اشاره کرد. اینان معتقد بودند عبدالله نمرده و زنده است و در کوه‌های اصفهان جای دارد و در نهایت ظهور خواهد کرد. (نوبختی، ۳۷)

عبدالله بن معاویه به دست ابومسلم کشته شد و در قبرستان هرات به خاک سپرده شد و مزار وی نیز در آنجا مشهور بوده است؛ بنابراین اعتقاد به پنهان شدن وی در کوه‌های اصفهان اسطوره‌ای بیش نیست که برخاسته از وقایع و حوادث مربوط به دوره تسلط وی بر این شهر است. در این شهر بود که عبدالله برای مدتی کوتاه بر تخت حکومت نشست و بسیاری از موالی و توده‌های ضعیف بر گرد او فراهم آمدند و پس از شکست و گریختن وی به‌سوی شرق مجدداً در آرزوی بازگشتش بودند. لذا عبدالله بن معاویه را در اذهان خویش همچون یک منجی در کوه‌های اصفهان پنهان ساختند و برای بازگشت و ظهور او به انتظار نشستند. (بهرامی، ۲۶۹– ۲۷۰)

٤-۵. جعل و تحریف پیرامون مدح و ذم بلاد

دشمن نخست کیسانیان، امویان بودند. این دشمنی و کینه در روایات و منقولات آخرالزمانی کیسانیان نیز بازتاب داشته است و گزارش‌هایی در ذم و نابودی بلاد دشمنان

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

کیسانی در برخی منابع روایت شده است. قضیه انتقام کیسانیه از بنی‌امیه به‌ویژه زمانی که حکومت را به دست بگیرند، یک قضیه اصلی در تصورات کیسانیه است. کیسانیان معتقد بودند ازجمله کارهایی که مهدی کیسانی پس از ظهور انجام خواهد داد «نابود کردن سنگ سنگ دمشق» است. (اشعری، ۳۱)

در اشعار شعرایی چون سید حمیری نیز این اموی ستیزی نمود داشته است. در اشعار او به نابودی هر آنچه احزاب در دمشق بناکرده‌اند، اشاره‌شده است. (اشعری، ۳۲ و ناشی اکبر، ۱۸۹) اعتقاد به نابودی ابنیه شام و کشتن مردان آن، شاعر کیسانی را آرام نکرده بلکه از اسارت زنان آنان سخن گفته و از انجام آن احساس شعف و شادی می‌کند. (ناشی اکبر، ۱۸۸-۱۸۹)

علاوه بر آن، کیسانیه معتقد بودند که محمد بن حنفیه به همراه یارانش رجعت خواهند کرد در این رجعت همه پیامبران حضور دارند و حضرت علی‌ﷺ نیز بازمی‌گردد و معاویه و خاندان او را می‌کشد و دمشق را ویران می‌سازد. (نوبختی، ۴۲)

همچنین به دشمنی کیسانیان با اهالی بصره باید اشاره کرد. در مورد بصره معتقد بودند که در رجعت ابن حنفیه و حضرت علی‌ﷺ ایشان شهر بصره را غرق خواهد کرد. (نوبختی، ۴۲) و در نقلی دیگر به آتش خواهد کشید. (اشعری، ۵۰) دشمنی کیسانیان با اهالی بصره از این جهت قابل‌تأمل است که در زمان امام علی‌ﷺ اینان در جنگ جمل به همراهی اصحاب جمل پرداختند و در آن جنگ محمد بن حنفیه پرچم‌دار سپاه امام‌ﷺ بود.

۵- نتایج مقاله

۵-۱. وجود غالیان به‌ویژه غالیان سبیه در کوفه و ارتباط کیسانیان با آنان از مهم‌ترین دلایلی است که زمینه‌های گرایش کیسانیه به مفاهیم مهدویتی و آخرالزمانی و جعل و تحریف در این مفاهیم را سبب شد.

۵-۲. گونه‌های مختلفی از جعل و تحریف در معارف مهدوی را از سوی جریان سیاسی کیسانی شاهد هستیم. «ترویج مهدی پنداری سران کیسانی» ازجمله این جعلیات و تحریفات

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

است. در این میان مهدی پنداری محمد بن حنفیه بسیار پررنگ و گسترده مطرح می‌شد. هرچند احادیث منقول از او نشان از اعتقادش به موعود آخرالزمان از نسل حضرت فاطمه﵄ دارد و درواقع ابن حنفیه راوی روایاتی در مهدویت مورد اعتقاد شیعه دوازده امامی است.

۵-۳. اعتقاد به نامیرای و غیبت محمد بن حنفیه در کوه رضوی و نگهبانی حیوانات وحشی از او و ظهور او در شعر و ادب شاعران کیسانی بازتاب فراوان داشته و شاعرانی مانند سید حمیری و کثیر عزه را باید از نظریه‌پردازان اصلی مفاهیم مهدوی در کیسانیه دانست.

۵-۴. بازتاب دشمنی کیسانیه با امویان به‌عنوان مهم‌ترین دشمن آنان را در مفاهیم مهدوی و آخرالزمانی شاهد هستیم و مهدی کیسانی این‌گونه معرفی می‌شود که بعد از ظهور سنگ سنگ دمشق را نابود خواهد کرد و آن را تا عمق زمین فرو خواهد برد.

۵-۵. باوجود عمر کوتاه کیسانیه و انقراض سریع آنان در همان قرون نخست، برخی از معتقدات مهدویتی و آخرالزمانی پیرامون محمد بن حنفیه تا قرن ششم و هفتم باقی‌مانده است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

کتابشناسی

۱. ابن ابی شیبه، ابوبکر، مسند ابن أبی شیبة، دار الوطن، ریاض، ۱۹۹۷م.
۲. ابن اثیر، عزالدین، الکامل فی التاریخ، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۱۷ق.
۳. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، الموضوعات، المکتبة السلفیة، مدینه النبی، ۱۳۸۶ش.
۴. ابن حماد، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، مکتبة التوحید، قاهره، ۱۴۱۲ق.
۵. ابن حنبل، احمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، تحقیق شعیب الأرنؤوط و دیگران، مؤسسة الرسالة، بی‌جا، ۱۴۲۱ق.
۶. ابن سعد، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۷. ابن عساکر، علی بن الحسن، تاریخ دمشق، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۸. ابن‌بابویه، محمد بن علی، کمال‌الدین و تمام النعمة، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ش.
۹. اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصیر فی الدین، عالم الکتب، لبنان، ۱۴۰۳ق.
۱۰. اشعری، ابوالحسن، مقالات الإسلامیین، فرانز شتایز، ویسبادن آلمان، ۱۴۰۰ق.
۱۱. اشعری، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۰ش.
۱۲. البانی، محمدناصر الدین، صحیح و ضعیف سنن ابن ماجة، برنامج منظومة التحقیقات الحدیثیة من إنتاج مرکز نور الإسلام لأبحاث القرآن و السنة، اسکندریه، بی‌تا.
۱۳. بغدادی تمیمی، عبدالقاهر بن طاهر، الفرق بین الفرق، دار الآفاق الجدیده، بیروت، ۱۹۷۷م.
۱۴. بلاذری، أحمد بن یحیی، أنساب الأشراف، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۷ق.
۱۵. بهرامی، روح اله،کیسانیه، جریان‌های فکری و تکاپوهای سیاسی، پژوهشکده تاریخ اسلام، تهران ۱۳۹۴ش.
۱۶. ترمذی، ابوعیسی، سنن الترمذی، تحقیق بشار عواد معروف، دار الغرب الإسلامی، بیروت، ۱۹۹۸م.
۱۷. حمیری، نشوان بن سعید، الحور العین، مکتبة الخانجی، قاهره، ۱۹۴۸م.
۱۸. دانی، عثمان بن سعید، السنن الوارده فی الفتن، دار العاصمة، ریاض، ۱۴۱۶ق.
۱۹. سجستانی، ابوداود، سنن أبی داود، المکتبة العصریة، بیروت، بی‌تا.
۲۰. سید حمیری، اسماعیل بن محمد، دیوان السید الحمیری، الاعلمی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۲۱. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، موسسه الحلبی، بی‌جا، بی‌تا،
۲۲. صفری فروشانی، نعمت‌الله، غالیان کاوشی در جریان‌ها و برآیندها تا پایان سده سوم، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۸ش.
۲۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، دار التراث، بیروت، ۱۳۸۷ش.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، دار المعارف الإسلامیة، قم، ۱۴۱۱ق.
۲۵. قاضی نعمان، ابن حیون، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۹ق.
۲۶. قاضی، وداد، الکیسانیه فی التاریخ و الادب، دار الثقافه، بیروت، ۱۹۷۴م.
۲۷. قزوینی، ابن ماجة، سنن ابن ماجه، دار إحیاء الکتب العربیة، مصر، بی‌تا.
۲۸. کثیر عزه، کثیر بن عبدالرحمن، دیوان، دار الثقافه، بیروت، ۱۹۷۱م.
۲۹. مجهول، أخبار الدولة العباسیة، دار الطلیعة، بیروت، بی‌تا.
۳۰. مستوفی، حمدالله، نزهه القلوب، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۲ش.
۳۱. مفید، محمد بن محمد، الفصول المختارة، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.
۳۲. ملطی عسقلانی، محمد بن احمد، التنبیه و الرد، المکتبة الأزهریة للتراث، قاهره، بی‌تا.
۳۳. ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، مسائل الامامه، فرانتس شتایر، بیروت، ۱۹۷۱م.
۳۴. نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، ترجمه محمدجواد مشکور، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۶ش.
۳۵. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، دار صادر، بیروت، ۱۹۹۵م.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]